

بخش دوم

پوندیهودیان

با فرهنگ ایران زمین



پروفیسور امنون نتصر در این
بخش از گفت و گوها به
بیان پیشینه تاریخی یهودیان
ایران و سهم فرهنگی آنان
در این سرزمین می پردازد

گفت و گوی، مهم

یهودیان رنج کشیده، در انتظار فرا رسیدن نجات از سوی ایران بودند



اشکانیان سلحشورانی بودند که به یهودیان یاری رساندند استقلال سیاسی را بازیابند

پرسش - سخنان شما در گفت و گوی پیشین در مورد مناسبات دیرین بین دو ملت یهود و ایران به دوران اشکانیان رسید، ولی ناتمام ماند. مایلیم که دنباله آن را بشنویم.

پاسخ - همان گونه که در گفت و گوی پیشین به آن اشاره شد، میان دو ملت یهود و ایران، بار دیگر در مسیر تاریخ نوعی همبستگی و همیاری و اشتراک مساعی و دوستی به وجود آمد، که این خود گاه به گاه روی نوشتارهایی که ما اکنون در دسترس داریم اثر گذاشته است.

مثلا اگر از کتاب تلمود که شامل تفسیرهای مشروحي درباره شریعت یهود است سخن بگوئیم، در آن مطالبی دیده می شود که با دوره اشکانیان در ایران ارتباط دارد و همچنین با دوره

ساسانیان مربوط می شود. به عنوان نمونه، هنگامی که اردشیر بابکان در سال ۲۲۴ (یا آن گونه که برخی عقیده دارند در سال ۲۲۶ میلادی) اردوان پنجم را از پای در می آورد و به دوران حکومت اشکانیان در ایران زمین پایان می دهد، راو اعظم (حاحام یا ملای اعظم و رهبر روحانی یهودیان) در بابل و در واقع سالار دینی اعظم یهودیان آن سرزمین (عراق امروز)، آن گونه که در رساله ابونظره در تلمود نوشته شده، با اندوه بسیار می گوید חבילה נתפרקה Havila nitparka (بغچه از هم پاشید)، یعنی آن همبستگی و همیاری بین دو ملت که وجود داشته از هم پاشیده شده است.

این سخنان به مفهوم ابراز تاسف است و هنگامی که ما چنین سخنانی را از زبان رهبر روحانی اعظم یهودیان می شنویم، تنها نتیجه ای که می توان گرفت آن است که دو ملت یهود و ایران دوران بسیار خوبی را در زمان اشکانیان با هم گذرانده اند. می دانید که رزمندگان دوران اشکانیان بهترین جنگجویان زمان خویش بودند. در آن دوره در سرزمین های دیگر، برخلاف سپاهیان اشکانیان اسب سوارانی نداشته ایم که هم زمان بتوانند هم از جلو و هم از عقب تیر بیاندازند. اشکانیان با شیوه های برجسته نظامی خود توانستند آن عظمت و وسعت دوران هخامنشی را، با سرعت زیاد و قابل تحسین و تا حدودی با همکاری ملت یهود، تجدید کنند.

باز هم در این جا می خواهم تاکید کنم که بخشی از این همیاری و همکاری بین یهود و ایران، از طریق رویارویی یهودیان در سرزمین خود علیه حکومت اشغالگر یونان بود که یونان را در این نقطه جغرافیائی میخکوب کرد، به هدف آن که ایرانیان راحت تر بتوانند به تلاش جنگی خود ادامه دهند و تصرفات خویش را گسترش بخشند. هدف یهودیان از درگیری با اشغالگران یونانی، که قدرتمندترین امپراتوری آن زمان را در این منطقه به وجود آورده بودند، بیرون راندن آنان از سرزمین خویش بود - و در این هدف موفق نیز شدند و پیروز بیرون آمدند.

پرسش - یعنی اگر به زبان امروز سخن بگوئیم بین دو ملت یهود و ایران در آن دوران نوعی همکاری های استراتژیک به سود طرفین جریان داشت.

پاسخ - بله، این نکته کاملاً درست است و بسیار جالب می باشد و اگر شما کتاب تاریخی "مکابی ها" (מכבים Maccabees) را بخوانید، در آن نسبت به این موضوع نیز اشاراتی شده است. می شود گفت که بین همه شاهان دوران اشکانیان و ملت یهود همیشه مناسبات دوستانه برقرار بوده است. این همکاری و تماس نه تنها با یهودیان سرزمین اسرائیل بوده، بلکه یهودیانی را نیز شامل می شده که در سرزمین بابل (عراق امروز) زندگی می کردند.

این موضوع را نیز در حاشیه می خواهم برای علاقمندان توضیح دهم که سرزمین بابل را از نظر دینی و فرهنگی یهودیان، نمی توان از سرزمین اسرائیل جدا دانست. حتی می خواهم گامی فراتر گذاشته و بگویم که سرزمین بابل از زاویه هائی که به آن ها اشاره کردم، برای یهودیان اهمیتش از سرزمین اسرائیل بیشتر بوده، زیرا کتاب قطور و پر محتوای تلمود، آن گونه که ما آن را می شناسیم، در سرزمین بابل نگاشته شد که تدوین آن چند صد سال به طول انجامید.

بی تردید اگر این مسالمت و صلح طلبی و آسایش و آرامش در نواحی محل سکونت یهودیان در سرزمین بابل وجود نمی داشت، آنان نمی توانستند گنجینه بزرگی چون تلمود را برای ملت یهود و اندیشه های مذهبی جهان به ارمغان آورند. (یادآوری می کنم که تلمود شامل دو کتاب میشنا و گمارا می باشد). خلق این آثار و اندیشه های دینی و معنوی یهودیان در سرزمین بابل در دوران اشکانیان، مدیون همین رفتار دوستانه آنان با یهودیان زمان بوده است.

در برخی صفحات و حاشیه های شماری از رساله هائی که تلمود را تشکیل می دهد ما می خوانیم که اگر شما یک نفر ایرانی را دیدید که آمده است به سرزمین اسرائیل و اسب خود را به درختی بسته است، بدانید که ظهور "ماشیح" (منجی موعود) نزدیک شده است. چرا این اندیشه نضج گرفته است؟ پاسخ ساده آن است که یهودیان در آن دوران بر این باور بودند که نجات (گئولا Geula) از سوی ایران فرا خواهد رسید.

در تلمود مطالب بسیار تحسین آمیز و سپاس انگیزی نسبت به ایرانیان نگاشته شده است. همانگونه که پیشتر گفتم، این نوشتارها یادگاری از زمان زندگی مسالمت آمیز و روابط دوستانه با اشکانیان است و تا اندازه زیادی هم با سلسله ساسانیان که در آینده درباره آن بیشتر صحبت خواهیم کرد مربوط می شود. به عنوان مثال در تلمود نگاشته شده که "ده پیمانۀ قدرت از آسمان به زمین فرود آمده که نه پیمانۀ آن نصیب ایرانیان گردیده است و پیمانۀ دهم در اختیار دیگر ملت های دنیا قرار گرفته است". یعنی، ایرانیان در آن زمان تا این اندازه از دیدگاه یهودیان مردمانی قدرتمند محسوب می شدند.

پرسش - آیا مفهوم این سخنان تحسین آمیز آن است که ملت یهود تا این حد ملت ایران و حکومت آن را دوست داشته و به آن ها احترام می گذاشته و در تحسین از قدرت ایران زمین زبان به تمجید می گشوده است؟

پاسخ - بله، همین گونه است. اجازه بدهید یک مثال دیگر از تلمود بیاورم که می نویسد "اگر خداوند ده پیمانۀ زیبایی آفریده، نه پیمانۀ آن به ایرانیان اهدا گردیده و پیمانۀ دهم نصیب دیگر ملت های جهان شده است". این ها همه نشان می دهد که یهودیان در آن دوران تا چه حد به ایرانیان علاقه داشتند و برای آنان احترام و اهمیت قائل بوده اند.

یهودیان با نگاهی بسیار دوستانه به ایرانیان می نگریستند - حالتی که یک یهودی همیشه می خواست که با یک نفر ایرانی داشته باشد. این دریچه نور و یک شمع برافروخته ای است که مبدل به یک مشعل فروزان شده که تا به امروز باقی مانده و ما باید این مشعل را همچنان فروزان به دست آیندگان بسپاریم.

پرسش - شما به عنوان یک پژوهشگر و تاریخدان، هنگامی که پیشینه اقوام دیگر و روابط بین آنان را مطالعه می کنید، آیا سابقه دارد که ملتی مانند ملت یهود در تاریخ خود این همه درباره یک ملت دیگر مانند ملت ایران و پادشاهان ایران به نیکی سخن گفته و آن ها را تحسین کرده باشد و برایشان احترام قائل شود و از آن ها تجلیل به عمل آورد؟

پاسخ - باید با کمال تواضع بگویم که من با تاریخ همه ملت های جهان آشنائی لازم را ندارم که بتوانم چنین ارزیابی را ارائه دهم. ولی بر اساس آن چه که می دانم، تصور می کنم که روابطی مانند مناسبات یهود و ایران در آن دوران در میان ملت های جهان بی نظیر بوده است.

البته من به طور کامل نمی دانم آیا چنین روابطی در دوران های مختلف تاریخ در میان ملت های دیگر، مثلاً ملت مصر یا امپراتوری عثمانی و یا در بلغارستان قدیم و یا چین باستان وجود داشته است و چه ملت هائی آمده و رفته اند.

در همه جهان فجایع رخ داده است. ولی ما در این جا از روابط یهود و ایران سخن می گوئیم و از این رو بهتر است که شما پرسش خود را این گونه مطرح کنید که "آیا میان ملت یهود و دیگر ملت ها چنین روابط مستحکم و دوستانه ای که با ایرانیان برقرار بوده، چنین همکاری و همیاری در مسیر تاریخ وجود داشته است یا نه". پاسخ من به این پرسش تنها یک کلمه است: خیر! چنین روابطی از جانب یهودیان نه با رومی ها برقرار بوده و نه با سلسله های اسلامی مثل خلفای بنی امیه که بر سرزمین اسرائیل مسلط بوده اند و نه با مملوک ها و عثمانی ها و غیرهم.

تنها و تنها در مورد ایران است که چنین همبستگی ها و دوستی های پایدار و بادوامی وجود داشته که نه فقط برای تنها ده سال یا بیست سال و حتی صد سال برقرار بوده باشد. این مناسبات دوستی و همکاری و همیاری بین یهود و ایران صدها سال دوام آورده است. چنین پدیده ای را در تاریخ ملت یهود در ارتباط با ملت های دیگر ندیده ام و سراغ ندارم.

پرسش - شماری از آثار باستانی در حفاری های باستان شناسی اسرائیل به دست آمده که نشان از ارتباط ناگسستنی بین دو ملت یهود و ایران دارد.

پاسخ - بله، شماری از این گونه آثار به دست آمده است. در واقع این حفاریات و آثار به دست آمده را مربوط به دوران مادها می دانند. در این حفاری ها شماری کوزه های سفالی و مجسمه و علاماتی روی سفال به دست آمده و آثاری از ساختمان هائی پیدا شده که با ایران و تاریخ آن و دورانی که ایرانیان بر این سرزمین حکومت می کردند ارتباط دارد.

شوریکتانه من در این رشته تخصصی ندارم. استاد این رشته پروفیسور افرائیم ایشترن بود که از نامدارترین استادان باستان شناسی به شمار می آمد و با کمال تأسف حدود ده سال پیش به دست یک تروریست عرب هنگام عبور از خیابانی در اورشلیم، از پشت سر هدف ضربات چاقو قرار گرفت و جان باخت. او بود که در این رشته تخصص بسیار داشت و کتابی در این باره نوشته که علاقمندان می توانند به آن مراجعه کنند.

پرسش - در حاشیه سخنان شما من باید اضافه کنم که علامت "گفتار نیک، پندار نیک و کردار نیک" به صورت مهر روی برخی کوزه های سفالی که در بعضی حفاریات باستان شناسی در اسرائیل به دست آمده دیده می شود که نشان از دوران تسلط ایرانیان بر سرزمین اسرائیل دارد. روی برخی از این کوزه های سفالی همچنین متنی به زبان عبری از این قرار نگاشته شده است: "כִּי־אֵד הַמֶּלֶךְ" (כיד המלך Keh Yad Hamelekh - به مفهوم: شاهانه) که یادی از پادشاه ایران بوده است.

پاسخ - بله این نکته کاملا درست است. اشیاء دیگری نیز پیدا شده که من در باستان شناسی تخصصی ندارم که در این باره سخن بگویم. مقاله هائی در این باره انتشار یافته که می توان به آن ها مراجعه کرد.

پرسش - در پایان این بخش از گفت و گو تقاضا دارم به اختصار روابط چند صد ساله یهود و ایران در دوران اشکانیان را جمع بندی کنید.

پاسخ - همان همکاری و همیاری که پایه های آن در کنار رودخانه های دجله و فرات در خاک امپراتوری شکست خورده بابل (عراق امروز) توسط کورش کبیر گذاشته شد، در دوران دیگر شاهان هخامنشی ادامه یافت و این میراث دوستی و همکاری به دست طایفه دیگری از ایرانیان رسید که اشکانیان نام داشتند و آن ها این هدیه بزرگ و این موهبت عظیم دوستی را پاس داشتند و آن را آبیاری کردند و گسترش دادند و به جائی رساندند که آن ها مسبب شدند که ما برای دومین بار در تاریخ ملی خود توانستیم استقلال خویش را دوباره به دست آوریم.

فراموش نکنید که یهودیان در تمام دوران تاریخ زندگی خود، تاریخ چهار هزار ساله ملت یهود، پیش از سال ۱۹۴۸ که استقلال اسرائیل نوین در آن اعلام شد، دو بار از مزایای خود فرمانی سیاسی برخوردار بوده اند - بار اول در دوران داود و سلیمان و فرزندان آن ها که یک بار دولت مستقل یهود توسط آشوری ها از میان رفت و یهودیان زیر سلطه بیگانگان قرار گرفتند و سپس با آمدن امپراتوری بابل استقلال خود را از دست دادند. بار دوم هنگامی است که اشکانیان آمدند و با پشتیبانی نظامی خود از یهودیان، استقلال دوباره ملت ما را امکان پذیر ساختند و یهودیان توانستند دست کم برای هشتاد سال دیگر در دوران حشمونائی ها از خودفرمانی ملی برخوردار شوند. سپس رومی ها آمدند که دوباره استقلال را از یهودیان سلب کردند و از آن پس ما مدت دو هزار سال در دشواری و رنج و محنت و تبعید به سربردیم و در سراسر دنیا پراکنده شدیم - تا هنگامی که سال ۱۹۴۸ میلادی فرا رسید و استقلال دوباره سرزمین پدری یهودیان توسط داوید بن گوریون اعلام شد.